

## رابطه سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان با کیفیت حسابرسی و ارائه الگوی مناسب

رقیه حسن پور لبشکا<sup>۱</sup>

محمد رضا پور علی<sup>۲</sup>

ایرج شاکری نیا<sup>۳</sup>

محمود صمدی لرگانی<sup>۴</sup>

### چکیده:

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان با کیفیت حسابرسی و ارائه الگوی مناسب در بین حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، شاغل در مؤسسات حسابرسی مستقر در تهران می باشد. گردآوری اطلاعات مورد نیاز با انتخاب ۱۸۲ نفر از بین جامعه مورد نظر به عنوان نمونه صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) و نرم افزار *Smart PLS3* استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد میزان سلامت عمومی حسابرسان بر اساس ابعاد علائم جسمانی، علائم اضطراب، رابطه کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی رابطه مثبت و معناداری با کیفیت حسابرسی دارد. میزان هوش معنوی حسابرسان بر اساس ابعاد تفکر وجودی انتقادی، ساخت معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط کیفیت هوشیاری رابطه مثبت و معناداری با کیفیت حسابرسی دارد. مکان کنترل حسابرسان بر اساس ابعاد مکان کنترل درونی و بیرونی رابطه مثبت و معناداری با کیفیت حسابرسی دارد. براساس نتایج کلی می توان عنوان نمود سلامت عمومی حسابرسان، هوش معنوی حسابرسان و مکان کنترل حسابرسان نقش افزاینده ای در ارتباط با کیفیت حسابرسی دارد. لذا مؤسسات حسابرسی می توانند با کنترل این عوامل کیفیت حسابرسی را بهینه کنند.

**واژه گان کلیدی:** سلامت عمومی، کیفیت حسابرسی، مکان کنترل حسابرسان، هوش معنوی.

۱. دانشجوی دکترای حسابداری، گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۲. دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: pourali@iauc.ac.ir

۳. دانشیار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۴. استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

## مقدمه

هدف از فرآیند حسابرسی، بررسی این موضوع است که آیا اعداد و توصیف‌های موجود در گزارش مالی، نتایج عملیاتی و وضعیت مالی شرکت را به صورت واقعی و منصفانه ارائه می‌دهد (الارینی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). در این میان، کیفیت بالای حسابرسی باعث افزایش اطمینان به صحت نتایج مالی گزارش شده می‌شود، در حالی که کیفیت حسابرسی پایین منجر به پیامدهای منفی مختلفی می‌گردد که بر سرمایه‌گذاران، کارکنان، مشتریان و تأمین‌کنندگان تأثیر می‌گذارد و در پی آن موجب زیان‌های، وسیعی برای سازمان‌ها و افراد می‌شود. حساب‌رسان مسئولیت بررسی صورت‌های مالی یک شرکت را بر عهده دارند و نظر خود را در مورد اینکه آیا این بیانیه‌ها به طور منصفانه در تمام جنبه‌های مادی، موقعیت مالی شرکت را در تاریخی خاص نشان می‌دهند یا خیر، بیان می‌کنند. بنابراین، حساب‌رسان، نقشی حیاتی در فرآیند گزارشگری مالی و پس از آن در عملکرد مؤثر سازمان‌ها در سراسر جهان ایفا می‌کنند. در نتیجه، هر چیزی که قابلیت کاهش یا افزایش کیفیت حسابرسی مالی را داشته باشد، بسیار دارای اهمیت است (حق بین و همکاران، ۱۴۰۱). حساب‌رسان در شرایطی که تحت فشار زمانی، الزامات قانونی کار، اعمال کنترل شدید از طرف سرپرستان و الزامات صاحب‌کاران هستند، تصمیمات و رفتارهای غیراخلاقی به مراتب بیشتری خواهند داشت. بنابراین انتظار بر این است که در موقعیت‌های غیرمنتظره که رسیدن به اهداف فردی و سازمانی مورد تردید است و همچنین در محیط‌های با اعمال نظارت شدید، بروز رفتارهای ناکارآمد تشدید می‌یابد (یوئن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ سونبرگ و اهن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). این گونه رفتارهای ناکارآمد دارای تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در کیفیت حسابرسی هستند (بارینکوا و اسپینوزا-پیکه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۵).

حداکثر کردن منافع شخصی افراد فعال در حرفه حسابرسی را از رفتار حرفه‌ای در قضاوت‌هایشان دور کرده است. از آنجا که حسابرسی زمینه‌ای است که به شدت بر اعتماد و ایفای مسئولیت‌های اعتباری استوار است، ضرورت گنجاندن قضاوت اخلاقی در حرفه، واضح است. وظیفه اصلی حرفه حسابرسی، اعتبار دهی و اعتبار افزایشی در زمینه گزارشگری مالی است (سعداله و بایلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). اکثر افراد به دنبال منافع شخصی خود هستند و رعایت اخلاق برای آن‌ها اهمیتی ندارد. از این رو، مفهوم محافظه‌کاری اجتماعی با مفهوم رعایت اخلاق حرفه‌ای نظیر تمایل حساب‌رسان به رعایت استقلال از دیدگاه نظری ارتباط دارد. مسئولیت اجتماعی حسابداران و حساب‌رسان در ارتقای شفافیت اطلاعات و گزارشگری و اعتماد بخشی به عموم، نقش و مسئولیتی خطیر است (آخوندی و پورعلی، ۱۴۰۱).

فشار روانی در حرفه حسابرسی، به‌طور ویژه، به دلیل وجود مسئولیت اجتماعی و انتظارات

1. Alareeni
2. Yuen et al
3. Svanberg and Ohman
4. Espinosa-Pike and Barrainkua
5. Saadullah and Bailey

و حساسیت‌های جامعه نسبت به افشای واقع‌گرایانه عملکردهای مالی شرکت‌ها تا حد زیادی غیرقابل کنترل و پیچیده است. در واقع، حرفه حسابرسی به دلیل پیچیدگی‌های جامعه امروزی و نیازهای اطلاعاتی، فشار کاری بیشتری را نسبت به گذشته تجربه می‌کند و این موضوع باعث شده است حسابرسی به‌عنوان یکی از مشاغل حساس و سخت محسوب شود (یوتامی و نهارتیو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). انتفاع بخش‌های مختلف جامعه از خدمات حسابرسی در شرایطی افزایش خواهد یافت که با تلاش همه‌جانبه فعالان در زمینه مالی، نقش حسابرسی در جامعه به روشنی مشخص شود و خدمات ارائه شده به وسیله حسابرسان از کیفیت لازم برخوردار باشد. کیفیت بالای خدمات حسابرسی مستلزم عملکرد شغلی خوب حسابرسان است که به‌عنوان عامل بسیار مهمی در روانشناسی صنعتی و سازمانی مطرح شده است (واسعی چهارمحالی و همکاران، ۱۳۹۷). پاسخ فردی به استرس شغلی می‌تواند روی سلامت ذهن و جسم، کیفیت کاری و حتی رفتارهای سازمانی از طریق سیستم محرک و پاسخ تأثیرگذار باشد. شرکت‌های حسابرسی باید اهمیت بیشتری برای استرس شغلی حسابرسان قائل شوند و تخصیص منابع حسابرسی آنها را برای اطمینان از کیفیت حسابرسی به‌روشنی توجیه کنند. برخلاف این حقیقت که استرس شغلی حسابرسان در عمل برای ما آشنا می‌باشد، اما مطالعات آکادمیک، کمتر به این موضوع پرداخته‌اند (صراف و صراف، ۱۳۹۹).

اگر حسابرس از هوش معنوی مناسبی برخوردار باشد، رسوایی و دست بردن در گزارشات که از سوی حسابرس انجام می‌شود، اتفاق نخواهد افتاد و برعکس. بر اساس نظر لیوین<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) عصاره هوش معنوی در زندگی افراد انعکاس می‌یابد، همچون تحمل، درستی، انصاف و عاطفه از این‌رو حرفه حسابرسی نیازمند آن است که حسابرس از هوش معنوی برخوردار است که این امر منجر به آن می‌شود که دارای ذهنی درستکار و منصف باشد. هوش معنوی که گاهی توانایی معنوی نیز ترجمه می‌شود هوشی است که بعد از هوش فکری و هیجانی قرار می‌گیرد. یانگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) بیان می‌کند که احساسات به‌عنوان یک عامل اساسی مهم می‌باشد که ممکن است با فشار و سایر متغیرهای موقعیتی و محیطی بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان اثرگذار باشد. نتایج نشان می‌دهد که نفوذ هوش هیجانی بر قضاوت حسابرس به‌طور مؤثر می‌تواند تمایل حسابرسان به شرکت در رفتار ناکارآمد به منظور بهبود کیفیت حسابرسی را کاهش دهد (مردای و همکاران، ۱۳۹۶).

از جمله عناصری که بر حسابرسان تأثیر می‌گذارد، کارایی یک مکان کنترل است. افراد در شرایط خاص مفروضاتی را در مورد برتری خود ایجاد می‌کنند که مطمئناً به عادت‌های آنها بستگی دارد که از طریق مکان‌های کنترل خارجی مدیریت می‌شود. برخی از دانشمندان کشف کرده‌اند که مکان‌های کنترل تأثیر مطلوبی بر کارایی و کیفیت حسابرسی دارد. تحقیقات در مورد تأثیر ویژگی‌های فردی بر عملکرد حسابرس در جامعه شرکت‌های حسابرسی هنوز در محدوده

1. Utami and Nahartyo

2. Levin

3. Yang

محدودی انجام می‌شود. تحقیقات در مورد عملکرد حسابرس اغلب بر روی حسابرسان داخلی انجام می‌شود. و تاکنون مکان‌های کنترل، مهارت حسابرس مستقل و همچنین تعهد تجاری حسابرس در ارتباط با کارایی حسابرسی مورد ارزیابی قرار نگرفته است (سوپردادی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱).

مورا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) بیان کردند عوامل فردی و زمینه‌ای بر کیفیت حسابرسی داخلی تاثیر مثبت و معناداری دارند و در این رابطه نقش تعدیلگر هوش هیجانی به اثبات نرسید. کواید و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) عوامل تعیین کننده کیفیت حسابرسی را بررسی و بیان کردند که عملکرد، قانونگذاری، آموزش و مدیریت عالی بر اثربخشی حسابرسی تاثیر دارند. ساماگیو و فلیکیو<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) نشان دادند که ویژگی‌های توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گوشه‌نگری به طور مثبت با تردید حرفه‌ای حسابرسان مرتبط است، در حالی که وظیفه‌شناسی و روان‌رنجوری بر کاهش عملکردهای کیفیت حسابرسی تاثیر منفی می‌گذارد. سامپت و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۹) نشان دادند هم سطح مشارکت مشتری و هم آسودگی روانی مشتری بر ادراک آنها از سه بعد کیفیت حسابرسی تاثیر می‌گذارد: کیفیت خدمات، استقلال و شایستگی. کیفیت حسابرسی به نوبه خود به شدت با رضایت کلی مشتری مرتبط است. پورعلی و رجبی (۱۴۰۰) نشان دادند که هر سه مؤلفه‌های رفتاری، زمینه‌ای و ساختاری عوامل کلیدی موفقیت بر عملکرد نظام حسابرسی داخلی تاثیر دارند اما مولفه ساختاری تاثیر بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها بر عملکرد دارد. همچنین نتایج نشان داد که به ترتیب در زمینه مولفه رفتاری شاخص ارتباطات همه جانبه منابع انسانی، مولفه زمینه‌ای، شاخص امکان تأمین منابع مالی مورد نیاز از خارج سازمان و مولفه ساختاری، شاخص ارتقای سیستم‌های اطلاعاتی تاثیر بیشتری بر عملکرد حسابرسی داخلی دارد. کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق خود نشان دادند که سوگیری‌ها اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی خواهد گذاشت، اما ابعاد شخصیتی اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی نخواهد گذاشت. صراف و صراف (۱۳۹۹) نشان دادند که استرس شغلی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری، تاب‌آوری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. مهدوی و زمانی (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند حسابرسانی که به مکان کنترل زندگی خود در زمان حال یا آینده باور چندانی ندارند احساس فشار روانی بالایی دارند، احساس می‌کنند که بر محیط اطراف خود کنترل نداشته، بیشتر از حسابرسانی با منبع (مکان) کنترل درونی به شانس اعتقاد دارند و در واقع برای آنان زندگی بیشتر نوعی بازی شانس است، به حرفه حسابرسی نیز تعهد کمتری دارند. آنان نتیجه گرفتند که بین منبع (مکان) کنترل درونی و تعهد حرفه‌ای حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین منبع (مکان) کنترل بیرونی و تعهد حرفه‌ای حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود

1. Supriadi et al

2. Moura et al

3. Qaid

4. Samagaio and Felício

5. Sampet et al

دارد. بر اساس تحقیقات گذشته برای نخستین بار در تحقیق حاضر ابعاد و ویژگی‌های رفتاری حسابرس از سه بعد سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان در ارتباط با کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت.

از سوی دیگر حسابرسان در اجرای وظایف حرفه‌ای خود با توجه به شغل پرفشاری که دارند در معرض آسیب‌های روانی بسیاری هستند که ممکن است سلامت عمومی آنان را دچار اختلال کند و بر قضاوت‌های آنان تاثیرگذار باشد. یکی از عواملی که می‌تواند تا حدودی آسیب‌های شغلی حسابرسان را کنترل کند هوش معنوی است. و اینکه حسابرسان موفقیت و شکست شغلی خود را ناشی از شرایط محیطی و یا تصمیم‌ها و انتخاب‌های خودشان ناشی از مکان کنترل بدانند، می‌تواند تاثیرات متناقضی را ایجاد کند. مجموع عوامل بیان شده می‌تواند تعیین‌کننده‌های قوی برای کیفیت حسابرسی باشد که نیاز به بررسی بیشتری دارد. بدلیل عدم وجود تحقیق مشابه در ادبیات تحقیق و وجود یک چالش تحقیقاتی این سوال به عنوان مسئله پژوهش مورد بررسی قرار گرفت آیا ابعاد سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان با کیفیت حسابرسی رابطه معناداری دارند؟. لذا این تحقیق با هدف بررسی رابطه سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان با کیفیت حسابرسی و ارائه الگوی مناسب اجرایی شد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش سلامت عمومی

سلامتی از نظر ریشه‌ای و عمقی به معنی کامل بودن است. فلسفه‌های یونان باستان سلامتی را به عنوان تعادل بین کیفیت‌ها توصیف می‌کنند. دیدگاه هیپوکرات‌ها (پزشکان یونان باستان) در مورد سلامت به عنوان ترکیبی متعادل از چند خلق و خوی تا قرن شانزدهم باقی ماند. ارسطو بر اخلاقیاتی که خوشی و سعادت به همراه داشت تأکید داشت. از قرن شانزدهم، دیدگاه زیست‌شناسی در میان پزشکان ظاهر شد، در حالیکه فلاسفه هنوز به موضوع بزرگتر متکی بودند. جنگ‌های جهانی قرن بیستم خلق سازمان‌های بین‌المللی را در زمینه سلامتی تحریک کرد و مقدمات و آماده‌سازی سازمان ملل به سازمان بهداشت جهانی منجر شد. دقایقی از این مقدمات ایده‌آل‌گرایی را احراز می‌کند که در تعریف بهداشت جهانی آمده است. تعریف سازمان بهداشت جهانی به دلیل مطلق بودن و پویا بودن با نقد مواجه شد و تعاریف متفاوت توسط فلاسفه پیشنهاد شد که سه جزء در این پیشنهادات سازگار است، ظرفیت عملکرد، تکامل فردی و ارتباط با محیط اجتماعی (هوبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). تعریف سلامت نه تنها یک مسئله علمی است بلکه به معنای پیروی از عمل، سیاست و خدمات بهداشتی است. تعریف فعلی سلامت که توسط سازمان بهداشت جهانی تهیه شده است، برای مقابله با چالش‌های جدید در سیستم‌های مراقبت بهداشتی مناسب نیست. علی‌رغم تلاش‌های بسیاری برای جایگزینی آن، هیچ تعریف جایگزینی به سطح بالایی از اجماع

1. Hippocrates

2. Huber

نرسیده است. با فرض یک دیدگاه معرفت شناختی نیاز به یک تعریف منحصر بفرد باید به نفع یک رویکرد چندگانه که در آن بهترین تعریف از سلامت وجود نداشته باشد رد شود. اما بسیاری از تعاریف مختلف بسته به محدوده برنامه کم و بیش مفید است. با این حال، باید به این نکته اشاره کرد که همه تعاریف بالقوه سلامت برای دنبال کردن اهداف علمی بالینی مناسب نیست (لئوناردی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). سلامت موضوعی مطرح در بسیاری از فرهنگ‌ها است. در واقع هر جامعه به عنوان بخشی از فرهنگ خود از سلامت مفهوم خاصی در نظر دارد. از میان تعریف‌هایی که هنوز هم به کار می‌رود، شاید دیرینه‌ترین تعریف آن باشد که؛ سلامت عبارت است از بیمار نبودن. در برخی فرهنگ‌ها سلامت و هماهنگی (هارمونی) مترادف یکدیگرند و هارمونی عبارتست از؛ سازگار بودن با خود، با جامعه، با خدا و با جهان (سجادی و صدر السادات، ۱۳۸۳).

### هوش معنوی

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط امونز مطرح شد. به موازات این جریان، گاردنر مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی معنویت و هوش را به چالش کشید. زوهر و مارشال<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) مفهوم هوش معنوی را به عنوان یک شکل از هوش معرفی می‌کنند، که بر اساس عمیق‌ترین معانی فرد و نیاز به انجام یک هدف وجودی بالاتر است. آنها همچنین ادعا کردند که هوش معنوی نمی‌تواند مانند هوش عقلانی که خطی، منطقی و عقلانی است، محاسبه شود. از آن به بعد محققان مختلف با اقدامات و نظریه‌های مختلف برای تعریف و اندازه‌گیری هوش معنوی داده‌اند. اگر چه از نظر زوهر و مارشال هوش معنوی خطی نیست، می‌توان آن را به مقادیر یا استانداردهای خاص تعریف کرد (رحمان و شاه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). هوش معنوی به زندگی درونی ذهن و ارتباط آن با هستی و وجود در جهان مربوط است. هوش معنوی توانایی فهمیدن عمیق سؤالات معنوی و بینش درونی است که سطح‌هایی چندگانه از هوش است. هوش معنوی مفهوم آگاهی از معنویت به عنوان زمینه‌ای از وجود یا به عنوان نیروی زندگی خلاق از تکامل است. هوش معنوی هوشیاری کامل درونی، آگاهی عمیق از جسم، ماده، ارواح و معنویت است. هوش معنوی بیشتر توانایی ذهنی فردی است. هوش معنوی به فرد، بین فردی و روح مربوط است. نگرش آگاهی از خود، ارتباط ما با متعالی، یکدیگر، زمین و همه موجودات هستی است. عقیده ی یک روان درمانگر این است که هوش معنوی با قلب باز می‌شود، با ذهن روشن می‌گردد و با روح ترکیب می‌گردد. هوش معنوی می‌تواند به وسیله‌ی تمرین توسعه یابد و به تشخیص واقعی فردی از بیماری‌ها کمک کند. آن ممکن است در هر فرهنگی به عنوان عشق، بندگی و عبادت توضیح داده شود. مفهوم هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی،

1. Leonardi
2. Zoher and Marshall
3. Rahman and Shah

بین فردی و ... شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. این هوش به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. فرد دارای آنچه به عنوان اصول اساسی در دین مطرح است (مثل دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدا هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آنها) محورهای اصلی هوش معنوی را نیز شامل می‌شود (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

### مکان کنترل

مکان کنترل یک مفهوم شخصیتی است که در ابتدا توسط راتر<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) مطرح شد و از آن زمان به عنوان یک روانشناختی درمانی استفاده شده است. به طور کلی مکان کنترل به عنوان یک امید بخشی به زندگی پایدار یا اعتقاد در مورد چگونگی پاسخگو بودن و کنترل محیط است. با توجه به این مفهوم افراد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: مکان کنترل درونی و مکان کنترل بیرونی (ونگ و لو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). مکان کنترل، به اعتقاد افراد در مورد چگونه کنترل شدن محیط اشاره دارد. به عبارتی مکان کنترل، نظامی از اعتقادات است که بر اساس آن فرد موفقیت‌ها و شکست‌های خود را بر حسب توانایی‌ها و ضعف‌هایش ارزیابی می‌کند. دو نوع جهت‌گیری در حوزه مکان کنترل در افراد وجود دارد: برخی افراد جهت‌گیری درونی پیدا می‌کنند، با این اعتقاد که مهارت، سخت‌کوشی، احتیاط و رفتار مسئولیت‌پذیر، منجر به پیامدهای مثبت می‌شود. بر عکس، عدم مهارت، عدم تلاش و رفتار غیرمسئولانه، به پیامدهای منفی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، برخی افراد جهت‌گیری بیرونی پیدا می‌کنند. با این اعتقاد که رویدادها از طریق شانس، قدرت دیگران و عوامل ناشناخته و غیرقابل کنترل تعیین می‌شوند. به نظر این افراد، نتایج، خارج از کنترل شخصی آنان است (راتر، ۱۹۶۶).

### کیفیت حسابرسی

یکی از متداول‌ترین تعریف‌ها درباره حسابرسی، تعریفی است که توسط دی آنجلو<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: «ارزیابی (استنباط) بازار» از احتمال این که حسابرس، نخست موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحب کار را کشف کند و دیگر اینکه تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش دهد. احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف کند به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس بستگی دارد. در تعریفی دیگر از این مفهوم دی آنجلو کیفیت واقعی حسابرسی مبتنی بر برداشت

1. Rotter
2. Wang and Lv
3. DeAngelo

استفاده‌کنندگان یا به اصطلاح استنباط بازار از کیفیت حسابرسی را عنوان می‌دارد. استفاده از این تعریف در بیان کیفیت واقعی حسابرسی با این فرض اساسی صورت می‌گیرد که برداشت از کیفیت حسابرسی، منعکس‌کننده کیفیت واقعی حسابرسی است. فرانسویس<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) چارچوبی را برای درک و تحقق کیفیت حسابرسی مطرح کرده است. وی بیان می‌کند که کیفیت حسابرسی یک مفهوم پیچیده است و کیفیت حسابرسی در یک زنجیره طبقه بندی می‌شود. براساس دیدگاه ساختاری محیط حسابرسی، وی استدلال می‌کند که کیفیت حسابرسی با شش سطح تحلیل منعکس می‌شود که از نمای کوچک فرایند حسابرسی تا نمای بسیار وسیع نتایج حسابرسی می‌باشد از جمله ۱- ورودی‌های حسابرسی ۲- فرایند حسابرسی ۳- شرکت‌های حسابداری ۴- صنعت حسابرسی و بازارهای حسابرسی ۵- موسسات و ۶- پیامدهای اقتصادی نتایج حسابرسی (کنیچل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

### مبانی نظری

برای بهبود در فهم کیفیت حسابرسی پژوهش‌های متعددی انجام شد تا هم درک بهتری از این مفهوم به دست آید و هم رابطه بین کیفیت حسابرسی با سایر متغیرها مشخص شود. کیفیت که تعیین‌کننده عملکرد حسابرسی است، تابع عوامل متعددی ناشی از توانایی‌های حسابرسان و اجرای حرفه‌ای است. ساختار کیفیت حسابرسی چند بعدی ولی نامشهود است، به همین جهت اندازه‌گیری آن بسیار دشوار است. یکی از ابعادی که موسسات حسابرسی سعی دارند در آن زمینه خود را از سایر موسسات خدماتی متمایز کنند، کیفیت خدمات ارائه شده است. حسابرسان اغلب به رعایت معیارهای مورد استفاده صاحب‌کاران در ارزیابی کیفیت حسابرسی اعتقاد دارند. از دیدگاه حسابرسان توانایی‌های حسابرسان و انگیزه‌های اقتصادی بر کیفیت حسابرسی موثر است (پورعلی و ربیعی، ۱۳۹۴). حسابرسان اغلب در وضعیتی قرار دارند که آزمون و ارزیابی شواهد و مدارک حسابرسی توسط آنها، گروه حسابرسی را به سوی مسیر مشخصی سوق می‌دهد. تغییر در تصمیمات اتخاذ شده به ویژه در شرایطی که فشار زمانی وجود دارد می‌تواند پرهزینه باشد. در محیط حسابرسی، فشار زمانی تقریباً همیشه وجود دارد. حسابرسان باید ضمن حفظ کیفیت حسابرسی تلاش نمایند تا در مهلت زمانی مقرر شده توسط صاحبکار و دولت و در محدوده بودجه اختصاص داده شده آن را به اتمام برسانند (پیچوا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). کیفیت بالای خدمات حسابرسی مستلزم عملکرد شغلی بالایی و سلامت حسابرسان است که به عنوان سازه بسیار مهمی در روانشناسی صنعتی و سازمانی مطرح شده است (روگلبرگ و ریتر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷).

هوش معنوی را به عنوان هوشی تعریف می‌شود که انسان‌ها از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنند. انتظار می‌رود که وجود هوش معنوی بالا در افراد حرفه‌ای

1. Francis
2. Knechel et al
3. Peytcheva
4. Rogelberg and Reiter



موجب بهبود در کیفیت کاری و قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنها گردیده و در این راستا آنها منافع عمومی و افراد دیگر را نیز مهم و قابل توجه بدانند. حسابرسیان به عنوان افراد حرفه‌ای در جامعه که گزارش‌های آنها تقریباً با بخش اعظمی از جامعه سروکار دارند، همواره در فرآیند اجرای حسابرسی با اعمال قضاوت‌های حرفه‌ای درگیر می‌باشند و بایستی در انجام این رفتارهای قضاوتی به‌گونه‌ای عمل نمایند که با رعایت و احترام به منافع عمومی بتوانند جایگاه خود و حرفه حسابرسی را در جامعه حفظ نموده و بهبود بخشند؛ البته این امر نیز در استانداردهای حسابرسی - به ویژه در استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰ به طور مکرر تأکید شده است (عظیمی ثانی و مهرانی، ۱۴۰۱).

افرادی که دارای مکان کنترل درونی هستند بر این باورند که محیط‌زیست به خصوصیات نسبتاً دائمی خود پاسخگو است و پاداش‌ها به اقدامات شخصی افراد بستگی دارد. درحالی‌که افرادی که دارای مکان کنترل بیرونی هستند بر این باورند که محیط‌زیست و پاداش‌ها غیرقابل کنترل هستند. (ونگ و لو، ۲۰۱۷). بر اساس تئوری رفتاری حسابداری مکان کنترل یکی از حوزه‌های مهم است. لذا شرکای شرکت‌های حسابرسی باید هنگام پذیرش حسابرسی جدید، مکان کنترل را در نظر بگیرند تا بتوانند عملکردی را مطابق انتظارات موسسه نشان دهند (سوپردادی و همکاران، ۲۰۲۱).

### پیشینه تجربی

مورا و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان تأثیر هوش هیجانی بر رابطه بین عوامل فردی و زمینه‌ای بر کیفیت حسابرسی داخلی در مؤسسات آموزشی فدرال با استفاده از یک ابزار پژوهشی متشکل از ۳۹ سوال ۹۳ حسابرس داخلی از مؤسسات آموزشی فدرال در برزیل را مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که عوامل فردی به طور مثبت و معنادار بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد. منابع کاری اگرچه مهم تلقی می‌شوند، بر خلاف عامل زمینه‌ای فشار بودجه زمانی که بر آن تأثیر مثبت و معناداری دارد، بر کیفیت حسابرسی تأثیری نداشت. با توجه به تعدیل هوش هیجانی در عوامل فردی و زمینه‌ای، این امر مورد تأیید قرار نگرفت. کواید و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان عوامل تعیین‌کننده کیفیت حسابرسی در مؤسسات دولتی به بررسی عواملی پرداختند که بر کیفیت بررسی کاربرگ‌های حسابرسی داخلی دولتی تأثیر می‌گذارند. عوامل متعددی در محیط‌های کاری مختلف بر نتایج حسابرسی تأثیر می‌گذارند. اهمیت این عوامل موثر بر عملکرد حسابرسی بخش دولتی باید مورد بحث قرار گیرد. هدف تضمین کیفیت کمک به اطمینان از این است که محصول و خدمات حسابرسی از بهترین شیوه‌های اثبات شده بین‌المللی و انتظارات ذینفعان پیروی می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان داد که عملکرد، قانونگذاری، آموزش و مدیریت عالی بر اثربخشی حسابرسی تأثیر دارند. ساماگیو و فلیکیو (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان تأثیر شخصیت حسابرس در کیفیت حسابرسی با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی و روش‌های تحلیل تطبیقی، تأثیر شخصیت

حسابرس را بر کیفیت حسابرسی بررسی کردند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به طور مثبت با تردید حرفه‌ای حسابرسان مرتبط است، در حالی که وظیفه‌شناسی و روان‌رنجوری بر کاهش عملکردهای کیفیت حسابرسی تأثیر منفی می‌گذارد. سامپت و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان نقش مشارکت و آسودگی روانی مشتری در ادراک محرک‌های کیفیت حسابرسی: شواهدی از یک اقتصاد نوظهور به بررسی نقش مشارکت مشتری در فرآیند حسابرسی و آسودگی روانی مشتری در تأثیرگذاری بر ادراک مشتری از کیفیت حسابرسی پرداختند. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه در شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تایلند استفاده شد. جامعه آماری مشتریان حسابرسی بودند. پرسشنامه‌ها را مدیران ارشد شرکت‌های صاحبکار پاسخ دادند. نتایج نشان داد هم سطح مشارکت مشتری و هم آسودگی روانی مشتری بر ادراک آنها از سه بعد کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد: کیفیت خدمات، استقلال و شایستگی. کیفیت حسابرسی به نوبه خود به شدت با رضایت کلی مشتری مرتبط است. چپو و هسو (۲۰۱۸) در پژوهش خود به تحلیل خدمات غیر حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. این پژوهشگران دریافتند که خدمات غیر حسابرسی، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد. بعضی‌ها احساس می‌کنند که برخی قوانین بیش از حد سخت‌گیر، خسته‌کننده و سنگین هستند و هزینه‌های قانونی و دولتی زیادی برای شرکت‌ها ایجاد می‌کنند. قانون ساربنز-اکسلی (یک مجموعه جدید از قوانین حاکم بر استقلال حسابرسان و محدود کردن محدوده خدمات غیر حسابرسی) که نیاز به افشای سالانه هزینه‌های حسابرسی و غیر حسابرسی به منظور اطمینان از کیفیت حسابرسی دارد لزوماً پر بار و سودمند نیست. در تحقیقات اجرا شده در ایران پورعلی و رجبی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان تأثیر عوامل کلیدی موفقیت بر عملکرد نظام حسابرسی داخلی به بررسی تأثیر عوامل کلیدی موفقیت بر عملکرد نظام حسابرسی داخلی پرداختند. نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کمی بود. نشان دادند که هر سه مؤلفه‌های رفتاری، زمینه‌ای و ساختاری عوامل کلیدی موفقیت بر عملکرد نظام حسابرسی داخلی تأثیر دارند اما مؤلفه ساختاری تأثیر بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها بر عملکرد دارد. همچنین نتایج نشان داد که به ترتیب در زمینه مؤلفه رفتاری شاخص ارتباطات همه‌جانبه منابع انسانی، مؤلفه زمینه‌ای، شاخص امکان تأمین منابع مالی مورد نیاز از خارج سازمان و مؤلفه ساختاری، شاخص ارتقای سیستم‌های اطلاعاتی تأثیر بیشتری بر عملکرد حسابرسی داخلی دارد. کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی به بررسی حسابرسان (مدیر/شریک) مؤسسه‌های حسابرسی معتمد بورس و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نشان دادند که سوگیری‌ها اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی خواهد گذاشت، اما ابعاد شخصیتی اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی نخواهد گذاشت. صراف و صراف (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر استرس شغلی و تاب‌آوری حسابرسان بر روی کیفیت حسابرسی به بررسی تأثیر استرس شغلی و تاب‌آوری حسابرسان بر کیفیت حسابرسی در بین اعضای جامعه حسابداران رسمی ایرانی

پرداختند. نشان دادند استرس شغلی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری، تاب‌آوری با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. لذا، برای بهبود کیفیت حسابرسی استفاده از روان‌سنجی در زمان جذب نیروی انسانی، انجام آزمایش‌های دوره‌ای برای اعضای جامعه حسابداران رسمی و شناسایی افراد در معرض خطرات روحی و جسمی و ارائه درمان مناسب، آموزش‌های دوره‌ای کاهش استرس و بهبود تاب‌آوری شغلی، تجدیدنظر در حقوق و مزایای اعضا و افزایش خدمات رفاهی و تفریحی امری ضروری است. مهدوی و زمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاثیر منبع (مکان) کنترل، تجربه و میزان تحصیلات حسابرسان بر تعهد حرفه‌ای نشان دادند حسابرسانی که به مکان کنترل زندگی خود در زمان حال یا آینده باور چندانی ندارند احساس فشار روانی بالایی دارند، احساس می‌کنند که بر محیط اطراف خود کنترل نداشته، بیشتر از حسابرسانی با منبع (مکان) کنترل درونی به شانس اعتقاد دارند و در واقع برای آنان زندگی بیشتر نوعی بازی شانس است، به حرفه حسابرسی نیز تعهد کمتری دارند. آنان نتیجه گرفتند که بین منبع (مکان) کنترل درونی و تعهد حرفه‌ای حسابرسان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین منبع (مکان) کنترل بیرونی و تعهد حرفه‌ای حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

### مبانی توسعه‌ی فرضیه‌های پژوهش

پاسخ فردی به استرس شغلی می‌تواند روی سلامت ذهن و جسم، کیفیت کاری و حتی رفتارهای سازمانی از طریق سیستم محرک و پاسخ تأثیرگذار باشد. شرکت‌های حسابرسی باید اهمیت بیشتری برای استرس شغلی و سلامت حسابرسان قائل شوند و تخصیص منابع حسابرسی آنها را برای اطمینان از کیفیت حسابرسی به‌روشنی توجیه کنند. برخلاف این حقیقت که استرس شغلی حسابرسان در عمل برای ما آشنا می‌باشد، اما مطالعات آکادمیک، کمتر به این موضوع پرداخته‌اند (صراف و صراف، ۱۳۹۹). از آنجایی که ماهیت برخی مشاغل و تجارب به‌گونه‌ای است که خواه‌ناخواه افراد دچار مشکل می‌شوند، به‌طوری که ممکن است سلامت روانی آنها تهدید شود، لذا توجه به ظرفیت‌های فردی و روانی که فرد به کمک آنها بتواند در شرایط دشوار مقاومت نماید و دچار آسیب‌دیدگی نگردد و حتی در تجربه چنین شرایط مشکل‌آفرین یا بحرانی خود را از لحاظ شخصیتی ارتقاء بخشد، اخیراً مورد توجه روان‌شناسان مثبت‌نگر قرار گرفته است، مفهومی که تحت عنوان رشد پس از ضربه نامگذاری شده است. در نتیجه پژوهشگران به دنبال یافتن و تقویت متغیرهایی درون افراد هستند که سطح سازگاری و سلامت آن را افزایش دهد، یکی از مهمترین توانایی‌های انسان که باعث سازگاری مؤثر با عوامل خطرزا و تنش‌زا در موقعیت‌ها و فشار روانی می‌شود، تاب‌آوری است. از این‌رو تاب‌آوری به‌عنوان عاملی در جهت سازگاری موفقیت‌آمیز با تغییرات و توانایی مقاومت در برابر مشکلات شناخته شده است. تاب‌آوری به قابلیت تطابق انسان در مواجهه با بلایا و یا فشارهای جانکاه، غلبه یافتن و حتی تقویت شدن به‌وسیله آن تجارب اطلاق می‌شود (دامغانیان و همکاران، ۱۳۹۴). ابعاد سلامت عمومی حسابرسان شامل علائم جسمانی، علائم اضطراب، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی است، که بر اساس مبانی بیان شده فرضیات

زیر طراحی شدند:

**فرضیه اول:** علائم جسمانی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

**فرضیه دوم:** علائم اضطراب تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

**فرضیه سوم:** کارکرد اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

**فرضیه چهارم:** علائم افسردگی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

اصل عینی‌گرایی حسابرس را ملزم می‌کند که بی‌طرف، از نظر فکری صادق، و عاری از تعارض منافع باشد. اگر حسابرس هوش معنوی مناسب داشته باشد، عمل غیر اخلاقی و تقلب نمی‌تواند از او سر بزند و بالعکس. بنابراین، حرفه حسابداری به حسابرسی نیاز دارد که هوش معنوی دارد، به طوری که دارای فکر باز، صادق و بی‌طرف باشد. بر اساس این صفات حسابرس هیچ آسیبی به استفاده‌کننده گزارش مالی نخواهد زد. عمل خلاف اخلاق حرفه‌ای و تقلب مایه تقصیر و شکست حسابرس است، چون نتیجه صادقانه‌ای از حسابرسی حاصل نخواهد شد. این مورد نشان می‌دهد که حسابرس عملکرد پایین داشته است. دلویتر و هیگز<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقدند که هوش هیجانی بر نحوه عملکرد موفق و کارآمد افراد و حتی در ارزیابی این عملکرد توسط خود، همکاران و یا سرپرستان تاثیر می‌گذارد. از آنجایی که مؤسسات حسابرسی امروزی، در بازاری پر رقابت و پر چالش به فعالیت مشغول هستند، این تلاطم محیطی مدیران این مؤسسات را بر آن داشته که بهبود عملکرد حسابرسان را به عنوان استراتژی رقابتی خود در بازار امروز برگزینند. بنابراین زیربنای هر گونه حرکت به سوی رشد و توسعه و بهبود فرآیند عملکرد حسابرسان در مؤسسات حسابرسی، شناخت دقیق وضعیت موجود، تشخیص نقاط قوت و ضعف و سپس طرح برنامه‌هایی سنجیده برای بهبود عملکرد آنان است. هوش هیجانی و هوش معنوی به عنوان دو هوش پرکاربرد در پژوهش‌های سازمانی با عملکرد حسابرسان در سطح مؤسسات حسابرسی در ارتباط است (مرادی و افشار ایمانی، ۱۳۹۶). ابعاد هوش معنوی حسابرسان شامل تفکر وجودی انتقادی، ساخت معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط کیفیت هوشیاری است، که بر اساس مبانی بیان شده فرضیات زیر طراحی شدند:

**فرضیه پنجم:** تفکر وجودی انتقادی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

**فرضیه ششم:** ساخت معنای شخصی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

**فرضیه هفتم:** آگاهی متعالی تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

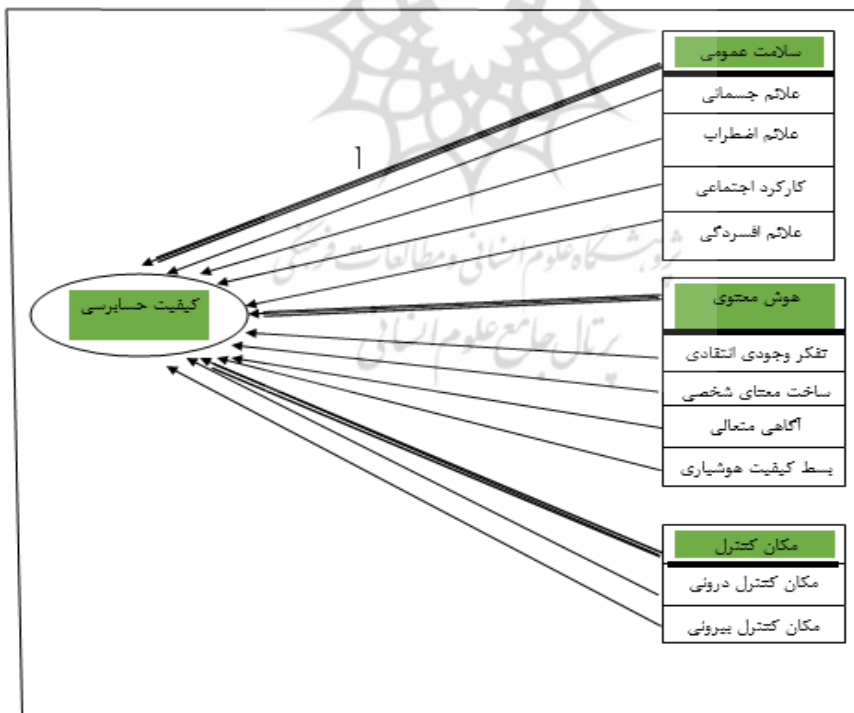
**فرضیه هشتم:** بسط کیفیت هوشیاری تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

از دیدگاه راتر مکان کنترل ناشی از انتظار تعمیم‌یافته است. بدین معنی که شخص در برابر یک موقعیت با انتظاراتی روبرو می‌شود که نتایج احتمالی رفتارهای او را در بر می‌گیرد این انتظارات فرضاً مبنی بر تجارب گذشته فرد هستند (راتر، ۱۹۶۶). دانلی و همکاران (۲۰۰۳) کشف کردند که کارایی حسابرس از طریق منبع تعهد تجاری و مکان کنترل حسابرسان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. حسابرسان همراه با مکان کنترل تمایل دارند برای دستیابی به اهداف خود

رفتارهای فریبکارانه انجام دهند. حسابرسان می‌توانند به راحتی روند بررسی را برای به دست آوردن یک ارزیابی کارآمد عالی کنترل کنند. قابل تنظیم تعهد تجاری و مکان کنترل تأثیر مطلوبی بر کارایی حسابرس دارد. حسابرسی که به شرکت تعهد دارد، مطمئناً تلاش خواهد کرد که مسئولیت‌های خود را مطابق با اهداف شرکت انجام دهد. سینمیرداتی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) مکان کنترل و همچنین مهارت حسابرس را بر کارایی ارزیابی کرد. نتایج این بررسی خاص نشان داد که مکان کنترل تأثیر قابل توجهی بر کارایی حسابرسی دارد، بعلاوه قابلیت کنترل مهارت‌های حسابرس تأثیر قابل توجهی بر کارایی حسابرس دارد (سوپردادی و همکاران، ۲۰۲۱). ابعاد مکان کنترل حسابرسان شامل مکان کنترل درونی و بیرونی است، که بر اساس مبانی بیان شده فرضیات زیر طراحی شدند:

**فرضیه نهم:** مکان کنترل درونی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.  
**فرضیه دهم:** مکان کنترل بیرونی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.  
 بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش و به اقتباس از تحقیقات گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹)، کینگ (۲۰۰۸) و راتر (۱۹۶۶) به صورت شکل ۱ طراحی شد:

شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش



1. Srimindarti

## روش اجرای پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی می‌باشد؛ و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. تحقیقات پیمایشی برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری بکار می‌روند. هدف تحقیقات توصیفی توصیف پدیده یا شرایط مورد بررسی است. اجرای تحقیقات توصیفی می‌تواند برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری‌دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. فرآیند اجرایی تحقیق بدین صورت بود که ابتدا با روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات در راستای مبانی نظری و ادبیات تحقیق پرداخته شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرها و آزمون فرضیات از پرسشنامه استفاده گردید. سپس اطلاعات را در فایل صفحه گسترده اکسل جمع‌آوری کرده و برای تحلیل به وسیله نرم‌افزار *SPSS* و *Smart PLS* تحلیل شد.

## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل حسابرسی بود که دارای مدرک حسابداری رسمی بوده و در استخدام موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران شاغل در تهران می‌باشد که حدوداً ۳۵۰ نفر بودند. برای تعیین نمونه ۲۵۰ پرسشنامه بین افراد واجد شرایط توزیع شد که از بین آنها ۱۸۲ نفر به طور کامل به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که بیانگر کفایت نمونه‌گیری بر اساس روش تحلیل عاملی می‌باشد. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر تصادفی ساده از جامعه مورد مطالعه بود.

## تشریح ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر پرسشنامه بوده است. در این تحقیق از پرسشنامه استاندارد سلامت عمومی گلدبرگ و هیلبر در سال ۱۹۷۹ استفاده شده است که این پرسشنامه متشکل از ۲۸ سوال و ۴ مولفه می‌باشد. چهار مولفه شامل علائم جسمانی، علائم اضطرابی، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی است. در این تحقیق از پرسشنامه استاندارد هوش معنوی کینگ در سال ۲۰۰۸ استفاده شده است که این پرسشنامه متشکل از ۲۴ سوال و ۴ مولفه می‌باشد. شماره سوالات مورد استفاده برای سنجش متغیرهای هوش معنوی که شامل تفکر وجودی انتقادی، ساخت معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط کیفیت هوشیاری می‌باشد. در این تحقیق از پرسشنامه استاندارد مکان کنترل راتر در سال ۱۹۶۶ استفاده شده است و دارای دو مولفه مکان کنترل درونی و مکان کنترل بیرونی می‌باشد. این پرسشنامه متشکل از ۲۹ سوال دو گزینه‌ای (الف و ب) می‌باشد و از آزمودنی خواسته می‌شود بین هر جفت سوال یکی را انتخاب کند و علامت بزند. واضح است این انتخاب بر اساس اعتقاد عمیق و روشن آزمودنی بود. پرسشنامه کیفیت حسابرسی، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بر اساس نظرات خبرگان و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و مبانی نظری در مقالات می‌باشد و بصورت ۱۵ سوال تعبیه شده بود. برای بررسی روایی ابزار تحقیق از روایی همگرا معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) و روایی واگرا

روش فورنل و لارکر) استفاده شد. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

هدف این بخش تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌های حاصل از تحقیق است. بنابراین مطالب این بخش از پژوهش به دو قسمت تقسیم شده است: ۱- آمار توصیفی ۲- آمار استنباطی. در بخش اول با استفاده از جداول فراوانی و آماره‌های توصیفی، متغیرهای جمعیت شناختی تحلیل می‌شوند. در بخش نرمال بودن متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شده و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش معادلات ساختاری نرم‌افزار *PLS* استفاده شده است.

### آمار توصیفی

در این قسمت تلاش می‌شود تا با بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد نمونه شناخت بیشتری نسبت به ماهیت آن‌ها ایجاد شود. بر این اساس اطلاعاتی در مورد جنسیت، تحصیلات، سن و میزان سابقه کار افراد نمونه ارائه می‌شود.

جدول (۱): آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی

درصد	فراوانی	جنسیت
۲۸/۶	۵۲	زن
۷۱/۴	۱۳۰	مرد
۱۰۰	۱۸۲	کل
درصد	فراوانی	تحصیلات افراد پاسخگو
۳۱/۹	۵۸	لیسانس
۵۴/۹	۱۰۰	فوق لیسانس
۱۳/۲	۲۴	دکتری
۱۰۰	۱۸۲	کل
درصد	فراوانی	سن پاسخگویان
۳۲/۴	۵۹	کمتر از ۳۰ سال
۲۸	۵۱	۳۱ تا ۴۰ سال

۲۱/۴	۳۹	۴۱ تا ۵۰ سال
۱۳/۲	۲۴	۵۱ تا ۶۰ سال
۴/۹	۹	بیش از ۶۰ سال
۱۰۰	۱۸۲	کل
درصد	فراوانی	سابقه کاری
۵۷/۱	۱۰۴	کمتر از ۱۰ سال
۱۰/۴	۱۹	۱۰ تا ۱۵ سال
۹/۳	۱۷	۱۵ تا ۲۰ سال
۸/۸	۱۶	۲۰ تا ۲۵ سال
۴/۹	۹	۲۵ تا ۳۰ سال
۹/۳	۱۷	بیش از ۳۰ سال
۱۰۰	۱۸۲	کل

بر اساس آمار توصیفی جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در تحقیق شامل ۵۲ نفر زن و ۱۳۰ نفر مرد بودند. به لحاظ تحصیلات ۵۸ نفر دارای تحصیلات لیسانس، ۱۰۰ نفر فوق لیسانس و ۲۴ نفر دکترا بودند. بیشترین فراوانی سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال بود. در این قسمت داده‌های پرسشنامه ۱۸۲ نفر از حسابداران رسمی شاغل در موسسات حسابداری ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این قسمت شامل دو بخش آمار توصیفی و استنباطی است. جدول ۲ یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق مربوط به مقیاس‌های پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آمار توصیفی مربوط به مقیاس‌های پرسشنامه

متغیرها	کد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
علائم جسمانی	PS	۳/۵۳۶	۰/۶۵۲	-۱/۳۳۲	۱/۹۵۰
علائم اضطراب	AS	۳/۹۳۳	۰/۸۲۱	-۱/۵۵۶	۱/۷۰۱
کارکرد اجتماعی	SF	۳/۹۲۰	۰/۷۷۳	-۱/۳۸۸	۱/۵۲۵



متغیرها	کد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
علائم افسردگی	DS	۳/۱۶۶	۱/۱۰۵	۰/۸۸۲	۱/۲۶۰
تفکر وجودی انتقادی	CET	۳/۶۴۲	۰/۷۹۶	-۰/۸۲۶	۰/۲۲۸
ساخت معنای شخصی	MPM	۳/۹۴۰	۰/۶۹۳	-۰/۹۷۱	۱/۳۸۵
آگاهی متعالی	TA	۳/۶۹۷	۰/۶۴۷	-۰/۴۶۳	-۰/۰۲۲
بسط کیفیت هوشیاری	EQC	۳/۸۹۰	۰/۵۵۴	-۰/۰۳۱	-۰/۴۱۷
مکان کنترل	Cp	۶/۰۱۶	۳/۷۸۳	۱/۹۷۹	۱/۳۶۷
کیفیت حساسی	Aq	۳/۹۳۳	۰/۴۹۵	-۰/۱۸۸	-۰/۱۶۱

در جدول ۲، آمار توصیفی دربردارنده معیارهای میانگین و همچنین معیار پراکندگی انحراف معیار برای متغیرهای مورد بررسی در پرسشنامه بیان شده است. به منظور اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود از آن جایی که در مورد همه متغیرها سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق نرمال نیست، لذا برای تحلیل باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده نمود.

### آمار استنباطی

برای بررسی کفایت نمونه جدول ۳ خروجی آزمون *KMO* و بارتلت را نشان می‌دهد که شاخص *KMO* در سطحی قابل قبول بوده است. آزمون بارتلت نیز معنادار بوده و خی دو بهنجار، ۴/۶۰۴ می‌باشد.

جدول (۳): آزمون کفایت نمونه‌گیری

۰/۸۵۹	شاخص KMO	
۹۸۷۶/۴۴۲	خی دو	آزمون بار تلت
۲۱۴۵	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۴/۶۰۴	خی دو بهنجار	

به منظور اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول (۴): آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

نام متغیر	کد	آماره Z	سطح معناداری
علائم جسمانی	PS	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰
علائم اضطراب	AS	۰/۱۷۰	۰/۰۰۰
کارکرد اجتماعی	SF	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰
علائم افسردگی	DS	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰
تفکر وجودی انتقادی	CET	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰
ساخت معنای شخصی	MPM	۰/۱۵۳	۰/۰۰۰
آگاهی متعالی	TA	۰/۱۰۵	۰/۰۰۰
بسط کیفیت هوشیاری	EQC	۰/۱۳۹	۰/۰۰۰
مکان کنترل	CP	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰
کیفیت حساس‌تری	AQ	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰

از آنجایی که مقدار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها می‌باشد، روش *PLS* معیار مدرن‌تری نسبت به آلفای کرونباخ به نام پایایی ترکیبی ( $CR^1$ ) را به کار می‌برد. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش *PLS*، هر دو این معیارها به کار برده می‌شوند. در صورتی که مقدار *CR* برای هر سازه بیشتر از ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد. مقدار *CR* در خروجی نرم‌افزار *PLS* در جدول ۵ ارائه می‌گردد.

1.- Composite reliability

جدول (۵): مقادیر پایایی ترکیبی

متغیر	کد	CR
علائم جسمانی	PS	۰/۹۰۵
علائم اضطراب	AS	۰/۹۵۸
کارکرد اجتماعی	SF	۰/۹۵۱
علائم افسردگی	DS	۰/۹۳۸
تفکر وجودی انتقادی	CET	۰/۹۱۶
ساخت معنای شخصی	MPM	۰/۹۱۳
آگاهی متعالی	TA	۰/۸۷۳
بسط کیفیت هوشیاری	EQC	۰/۸۸۱
کیفیت حساسیتی	AQ	۰/۹۳۴
سلامت عمومی	GH	۰/۸۸۶
هوش معنوی	SI	۰/۵۶۷

روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش *pls* به کار برده می‌شود. معیار *AVE* (میانگین واریانس استخراج شده) نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر *AVE* میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار *AVE* را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که در مورد *AVE*، مقدار بحرانی عدد ۰/۵ است؛ بدین معنی که مقدار *AVE* بیشتر از ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهند. مقدار *AVE* برای متغیرهای مرتبه دوم با استفاده از فرمول محاسبه می‌شود. جدول ۶ مقادیر *AVE* متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد که همگی بالای ۰/۵ هستند.

جدول (۶): مقادیر AVE

متغیر	کد	AVE
علائم جسمانی	PS	۰/۶۲۵
علائم اضطراب	AS	۰/۷۶۷
کارکرد اجتماعی	SF	۰/۷۳۴
علائم افسردگی	DS	۰/۶۹۰
تفکر وجودی انتقادی	CET	۰/۶۱۳
ساخت معنای شخصی	MPM	۰/۶۷۷

متغیر	کد	AVE
آگاهی متعالی	TA	۰/۵۳۳
بسط کیفیت هوشیاری	EQC	۰/۵۹۷
کیفیت حساس‌رسانی	AQ	۰/۵۸۴
سلامت عمومی	GH	۰/۶۶۶
هوش معنوی	SI	۰/۵۶۷

روایی واگرا به بررسی رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها مربوط می‌شود. به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. از نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۱) روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان *AVE* برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضریب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. در *PLS*، بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌گیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر *AVE* مربوط به هر سازه است. مدل تحقیق در صورتی روایی واگرای قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی ماتریس از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند. جدول ۷ این ماتریس را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، روایی واگرایی مدل قابل قبول است.

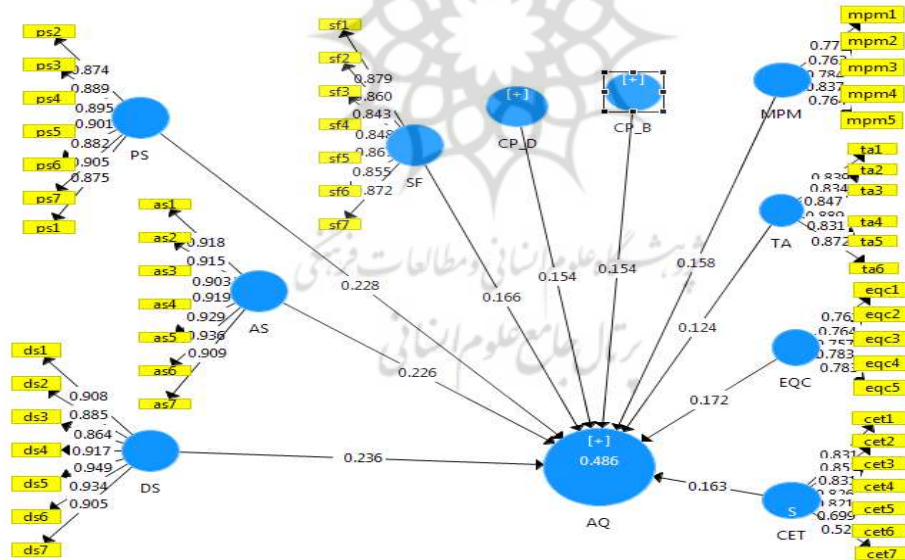
جدول (۷): روایی واگرا (روش فورنل و لارکر)

متغیرها	PS	AS	SF	DS	CET	MPM	TA	EQC	AQ
PS	۰/۷۹۰								
AS	۰/۵۷۹	۰/۸۷۵							
SF	۰/۵۹۹	۰/۸۲۹	۰/۸۵۶						
DS	۰/۳۹۱	۰/۴۱۳	۰/۴۱۲	۰/۸۳۰					
CET	۰/۳۱۸	۰/۳۶۵	۰/۲۵۲	۰/۲۶۴	۰/۷۸۲				
MPM	۰/۲۴۲	۰/۰۸۶	۰/۱۰۳	۰/۰۸۳	۰/۱۸۹	۰/۸۲۲			

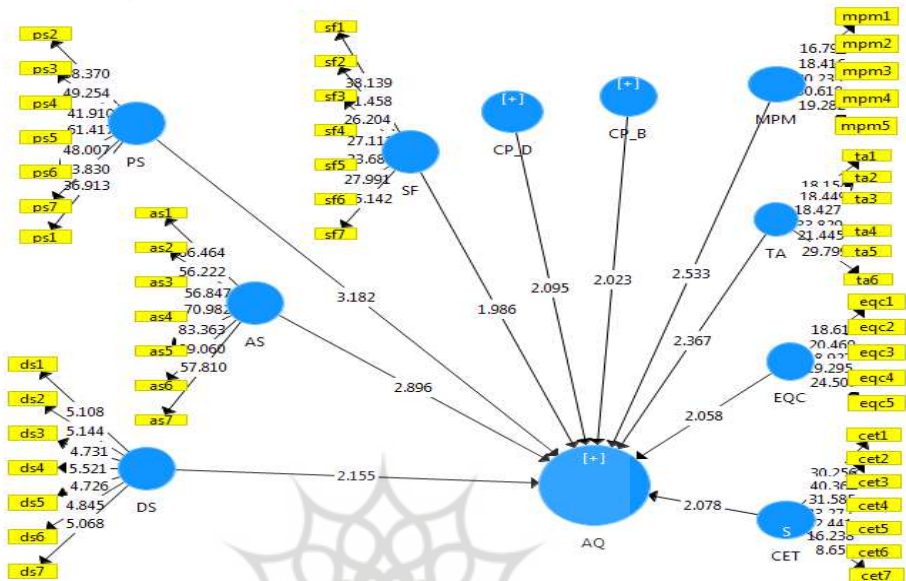
متغیرها	PS	AS	SF	DS	CET	MPM	TA	EQC	AQ
TA	۰/۲۲۰	۰/۱۱۶	۰/۰۹۶	۰/۱۳۶	۰/۵۳۳	۰/۲۱۷	۰/۷۳۰		
EQC	۰/۱۴۵	۰/۱۸۵	۰/۱۶۶	۰/۱۶۸	۰/۲۸۷	۰/۲۶۱	۰/۲۳۵	۰/۷۷۲	
AQ	۰/۴۸۵	۰/۹۳۶	۰/۳۶۹	۰/۰۲۳	۰/۴۲۲	۰/۲۶۳	۰/۲۱۹	۰/۳۱۱	۰/۷۶۴

ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری  $t$  است. در صورتی که مقدار این اعداد از  $1/96$  بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش است. البته اعداد  $t$  فقط صحت رابطه‌ها را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین سازه‌ها را نمی‌توان با آنها سنجید. شکل ۲ و شکل ۳ مدل ساختاری تحقیق را در حالت تخمین ضرایب استاندارد و تخمین مقادیر  $t$  نشان می‌دهند.

شکل (۲): مدل دوم (ضرایب اثر)



شکل (۳): مدل دوم (خرایب معناداری)



برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری از ضریب تعیین استفاده می‌شود. ضریب تعیین معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. این مقدار برای متغیرهای برون‌زا صفر است و تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل گزارش می‌گردد. هرچه مقدار  $R^2$  مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. داوری و رضا زاده (۱۳۹۶) به نقل از چین<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی  $R^2$  معرفی کرده‌اند. مقدار  $R^2$  برای تنها متغیر پنهان درون‌زای مدل در جدول ۸ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین در سطح مناسب قرار دارد.

جدول (۸): مقادیر  $R^2$  مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل

متغیر	کد	$R^2$
کیفیت حساسیتی	AQ	۰/۴۸۶

مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین

1. Chin

سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تا تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. مقدار  $Q^2$  باید در مورد تمامی سازه‌های درون‌زای مدل محاسبه شود. در صورتی که مقدار  $Q^2$  در مورد یک سازه درون‌زا، صفر و یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به خوبی تبیین نشده است و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. هنسلر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵، و ۰/۳۵ را برای این معیار تعیین کرده‌اند که به ترتیب قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی مدل در مورد شاخص‌های سازه درون‌ساز را نشان می‌دهد. جدول ۹ مقادیر  $Q^2$  مربوط به سازه درون‌زای مدل را نشان می‌دهد که حاکی از برازش قابل قبول و متوسط مدل ساختاری است.

جدول (۹): مقادیر  $Q^2$  مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل

متغیر	کد	$Q^2$
کیفیت حساس‌رسی	AQ	۰/۱۵۹

در این بخش معیار واری اعتبار افزونگی مدل دوم بررسی می‌شود. این معیار از حاصلضرب مقادیر اشتراکی سازه‌ها در مقادیر  $R^2$  مربوط به آنها به دست می‌آید و نشانگر مقدار تغییرپذیری شاخص‌های یک سازه درون‌زا است که از یک یا چند شاخص برون‌زا تأثیر می‌پذیرد. یک معیار مناسب برای سنجش برازش بخش ساختاری مدل‌های معادلات ساختاری، مقدار میانگین redundancy مربوط به سازه‌های درون‌زا در یک مدل است. این معیار با **Red** نشان داده می‌شود و هرچه بیشتر باشد، نشان از برازش مناسب‌تر بخش ساختاری مدل در یک پژوهش دارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۶). جدول ۱۰ مقادیر *red* مربوط به متغیر درون‌زا را نشان می‌دهد.

جدول (۱۰): مقادیر *red* مربوط به متغیرهای درون‌زا

متغیر	کد	مقادیر اشتراکی	$R^2$	Red
کیفیت حساس‌رسی	AQ	۰/۵۸۴	۰/۴۸۶	۰/۲۸۳

بر این اساس میزان شاخص **Red** برابر با ۰/۲۸۳ است و در سطح مناسبی قرار دارد. برای بررسی برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، از معیار *GoF* استفاده می‌شود. این معیار توسط تننهاوس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۴) ابداع شده است و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

1. Henseler  
2. Tenenhaus

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

که در آن  $\text{Communalities}$  نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و  $R^2$  نیز مقدار میانگین مقادیر  $R$  Squares سازه‌های درون‌زای مدل است. وتزلس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای  $GOF$  معرفی کرده‌اند. جدول ۱۱ میانگین مقادیر اشتراکی و میانگین مقادیر  $R$  Squares را نشان می‌دهد که بر این اساس مقدار  $GOF$  برابر است با ۰/۵۶۰ که برازش قوی را نشان می‌دهد.

جدول (۱۱): میانگین مقادیر اشتراکی و میانگین مقادیر  $R$  Squares

متغیر	کد	Communality	$R^2$	$\text{Communalities}$	$R^2$
علائم جسمانی	PS	۰/۶۲۵	۰	۰/۶۴۶	۰/۴۸۶
علائم اضطراب	AS	۰/۷۶۷	۰		
کارکرد اجتماعی	SF	۰/۷۳۴	۰		
علائم افسردگی	DS	۰/۶۹۰	۰		
تفکر وجودی انتقادی	CET	۰/۶۱۳	۰		
ساخت معنای شخصی	MPM	۰/۶۷۷	۰		
آگاهی متعالی	TA	۰/۵۳۳	۰		
بسط کیفیت هوشیاری	EQC	۰/۵۹۷	۰		
کیفیت حساسیتی	AQ	۰/۵۸۴	۰/۴۸۶		

جدول ۱۱ میانگین مقادیر اشتراکی و میانگین مقادیر  $R$  Squares را نشان می‌دهد که بر این اساس مقدار  $GOF$  برابر است با ۰/۵۶۰ که برازش قوی را نشان می‌دهد. جدول ۱۲ ضرایب معناداری  $t$  برای روابط بین سازه‌های پژوهش در مدل را نشان می‌دهد.

جدول (۱۲): ضرایب مسیر و ضرایب معناداری  $t$  برای روابط بین سازه‌های پژوهش در مدل

مسیر رابطه بین سازه‌های پنهان	ضرایب مسیر	مقدار $t$ -value	نتیجه
علائم جسمانی ← کیفیت حساسیتی	۰/۲۲۸	۳/۱۸۲	پذیرفته شده
علائم اضطراب ← کیفیت حساسیتی	۰/۲۲۶	۲/۸۹۶	پذیرفته شده
کارکرد اجتماعی ← کیفیت حساسیتی	۰/۱۶۶	۱/۹۸۶	پذیرفته شده
علائم افسردگی ← کیفیت حساسیتی	۰/۲۳۶	۲/۱۵۵	پذیرفته شده
تفکر وجودی انتقادی ← کیفیت حساسیتی	۰/۱۶۳	۲/۰۷۸	پذیرفته شده

1. wetzels



نتیجه	مقدار t-value	ضرایب مسیر	مسیر رابطه بین سازه‌های پنهان
پذیرفته شده	۲/۵۳۳	۰/۱۵۸	ساخت معنای شخصی ← کیفیت حساسیتی
پذیرفته شده	۲/۳۶۷	۰/۱۲۴	آگاهی متعالی ← کیفیت حساسیتی
پذیرفته شده	۲/۰۵۸	۰/۱۷۲	بسط کیفیت هوشیاری ← کیفیت حساسیتی
پذیرفته شده	۲/۰۹۵	۰/۱۵۴	مکان کنترل درونی ← کیفیت حساسیتی
پذیرفته شده	۲/۰۲۳	۰/۱۵۴	مکان کنترل بیرونی ← کیفیت حساسیتی

مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که علائم جسمانی به میزان ۰/۱۲۲۸ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین علائم جسمانی ۲۲ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۳/۱۸۲ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که علائم اضطراب به میزان ۰/۲۲۶ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین علائم اضطراب ۲۲ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۸۹۶ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که کارکرد اجتماعی به میزان ۰/۱۶۶ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین کارکرد اجتماعی ۱۶ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۱/۹۸۶ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که علائم افسردگی به میزان ۰/۲۳۶ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین علائم افسردگی ۲۳ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۱۵۵ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است و تأیید می‌شود. خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که تفکر وجودی انتقادی به میزان ۰/۱۶۳ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین تفکر وجودی انتقادی ۱۶ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۰۷۸ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که ساخت معنای شخصی به میزان ۰/۱۵۸ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین تفکر وجودی انتقادی ۱۵ درصد از تغییرات کیفیت حساسیتی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۵۳۳ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به‌دست آمده نشان می‌دهد که آگاهی متعالی به میزان ۰/۱۲۴ بر کیفیت حساسیتی اثر دارد. بنابراین

آگاهی متعالی ۱۲ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۳۶۷ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه هفتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به دست آمده نشان می‌دهد که بسط کیفیت هوشیاری به میزان ۰/۱۷۲ بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. بنابراین بسط کیفیت هوشیاری ۱۷ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۰۵۸ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه هشتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به دست آمده نشان می‌دهد که مکان کنترل درونی به میزان ۰/۱۵۴ بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. بنابراین مکان کنترل درونی ۱۵ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۰۹۵ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه نهم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود. مطابق خروجی نرم‌افزار ضریب مسیر به دست آمده نشان می‌دهد که مکان کنترل بیرونی به میزان ۰/۱۵۴ بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. بنابراین مکان کنترل بیرونی ۱۵ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی را تبیین می‌نماید. آماره  $t$  برای رابطه بین این دو متغیر ۲/۰۲۳ بوده و از ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین فرضیه دهم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است تأیید می‌شود.

### نتیجه‌گیری

کیفیت حسابرسی، یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه است. به‌منظور شناخت مفاهیم و ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی، مطالعات گوناگونی توسط محققان انجام شده است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی و متغیرهای دیگر کشف شود. به هر حال، از آنجا که کیفیت حسابرسی در عمل به سختی قابل مشاهده است، تحقیقات در این زمینه همواره با مشکلات زیادی روبرو بوده است. با توجه به جایگاه و نقش موسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، کیفیت حسابرسی به‌عنوان عامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی، مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر به رابطه سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسان با کیفیت حسابرسی پرداخته است. این پژوهش به همه ابعاد سلامت عمومی از جمله سلامت روانی و جسمی و اجتماعی حسابرسان و همچنین به بررسی هوش معنوی حسابرسان نیز پرداخته است. بنابراین سایر انواع هوش از جمله هوش هیجانی، هوش عقلانی و هوش اجتماعی را شامل نمی‌شود و ابعاد مکان کنترل شامل دو بعد مکان کنترل درونی و بیرونی می‌باشد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل ساختاری مدل نشان داد با افزایش ابعاد سلامت عمومی حسابرسان شامل علائم جسمانی، علائم اضطراب، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی میزان کیفیت حسابرسی افزایش خواهد یافت. با افزایش ابعاد هوش معنوی حسابرسان شامل تفکر وجودی انتقادی، ساخت معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط کیفیت هوشیاری میزان کیفیت حسابرسی افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش

ابعاد مکان کنترل حسابرسی شامل مکان کنترل درونی و مکان کنترل بیرونی میزان کیفیت حسابرسی افزایش خواهد یافت. می‌توان عنوان نمود این نتایج از جهاتی در تطابق سوپریادی و همکاران (۲۰۲۱)، سامپت و همکاران (۲۰۱۹)، آریف کوسومو و همکاران (۲۰۱۸)، صراف و صراف (۱۳۹۹)، پاریسیان و همکاران (۱۳۹۷) و واسعی چهارم‌حالی و همکاران (۱۳۹۷) است. بر اساس نتایج به مدیران مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد با توجه به مؤلفه‌ها و ابعاد سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسی در مدل این پژوهش برای پروژه‌های آتی حسابرسی و بکارگیری نیروهای حسابرسی مناسب جهت دستیابی به کیفیت مطلوب برنامه‌ریزی کنند. بر اساس نتایج به مدیران مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد در استخدام حسابرسی جدید شاخص‌هایی مانند ابعاد سلامت عمومی حسابرسی شامل علائم جسمانی، علائم اضطراب، کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی، ابعاد هوش معنوی حسابرسی شامل تفکر وجودی انتقادی، ساخت معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط کیفیت هوشیاری و ابعاد مکان کنترل حسابرسی شامل مکان کنترل درونی و مکان کنترل بیرونی را در نظر بگیرند. بر اساس نتایج به سازمان‌های حرفه‌ای حسابرسی پیشنهاد می‌گردد در آموزش و اهدای مدارک حرفه‌ای حسابرسی ابعادی مانند سلامت عمومی، هوش معنوی و مکان کنترل حسابرسی را نیز در نظر بگیرند. با توجه به اینکه این تحقیق در بین حسابرسیان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران شاغل در مؤسسات حسابرسی مستقر در تهران انجام شد، پیشنهاد می‌گردد که این تحقیق در بین حسابرسیان سازمان حسابرسی که حسابرسی آنها تحت حمایت دولت می‌باشند انجام پذیرد تا نتایج آنها با یکدیگر مقایسه گردد. با توجه به این که این تحقیق یک تحقیق بین‌رشته‌ای می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی جنبه‌های دیگر از عوامل روانشناسی از جمله ابعاد هویت، ابعاد شخصیت و ابعاد دیگری از هوش از جمله هوش عقلانی و هوش اجتماعی با ابعاد دیگری از کیفیت حسابرسی یا حسابداری بررسی گردد.

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی:

۱. آخوندی، پریسا و پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). گرایش‌های سهامداران، ماکیاولیسم و حمایت از گزارشگری پایدار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱ (۳۹)، ۲۲۱-۲۵۲.
۲. پاریسیان، متینه؛ محمدی پور، رحمت‌الله و خاتمی، سید کیوان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه هوش معنوی حسابداران و کیفیت صورتهای مالی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۸ (۲)، ۱۸۵-۲۰۸.
۳. پورعلی، محمدرضا و ربیعی، وحید. (۱۳۹۴). مبانی نظری کیفیت حسابرسی در شرکت‌ها. کنفرانس بین‌المللی جهت‌گیری‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
۴. پورعلی، محمدرضا و رجیبی، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). تاثیر عوامل کلیدی موفقیت بر عملکرد نظام حسابرسی داخلی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۳ (۵۱)، ۱۲۷-۱۴۲.
۵. جهانسی، مرضیه. (۱۳۹۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴ (۴۷)، ۳۸-۴۵.
۶. حق‌بین، پرویز؛ آزادی، کیهان، پورعلی، محمد رضا و صمدی، محمود. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر جنسیت بر رابطه

۷. بین استرس و کیفیت حسابرسی. دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۸(۲)، ۱۰۱-۱۱۲.
۸. دامغانیان، حسین؛ جمشیدی، الله و مقصودی، طاهره. (۱۳۹۴). تاملی بر تقلیل فرسودگی شغلی در پرتو تاب‌آوری. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۲۴(۷۸)، ۱۲۷-۱۵۰.
۹. سجادی، حمیرا و صدر السادات، سیدجلال. (۱۳۸۸). شاخص‌های سلامت اجتماعی. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۰۷ و ۲۵۳، ۲۰۸-۲۴۴.
۱۰. صراف، مریم و صراف، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیر استرس شغلی و تاب‌آوری حسابرسان بر روی کیفیت حسابرسی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳)، ۲۶۱-۲۶۷.
۱۱. عبدالله‌زاده، حسن؛ بوژمهرانی، سمانه؛ لطفی، محدثه و باقرپور، معصومه. (۱۳۸۸). هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن). تهران: انتشارات روان سنجی.
۱۲. عظیمی‌ثانی، علیرضا و مهران، ساسان. (۱۴۰۱). آزمون تأثیر ابعاد هوش معنوی بر قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۲)، ۲۳۳-۲۴۹.
۱۳. کریمی، زهرا؛ یعقوب‌نژاد؛ احمد؛ صمدی لرگانی، محمود و پورعلی لاکلایه، محمدرضا. (۱۴۰۰). ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۲)، ۲۳-۵۲.
۱۴. مرادی، مهدی؛ افشار، ایمانی و یگانه، السادات. (۱۳۹۶). رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و عملکرد حسابرس. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۵)، ۴۱-۶۴.
۱۵. مرادی، مهدی؛ رستمی، امین و اباذری، زهره. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر اعمال رفتارهای ناکارآمد حسابرسان. فصلنامه حسابداری مالی، ۸(۳۰)، ۴۰-۶۴.
۱۶. مرویان حسینی، زهرا و لاری دشت بیاض، محمود. (۱۳۹۴). بررسی نقش فرسودگی شغلی در رابطه بین استرس و عملکرد شغلی حسابرسان. حسابداری سلامت، ۴(۱)، ۵۷-۸۰.
۱۷. واسعی چهارمحالی، مهدی؛ ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا و صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فشار روانی شغلی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اولین حسابرسی برای مشتریان جدید. حسابداری سلامت، ۷(۲)، ۸۲-۱۰۳.

## ب- منابع خارجی:

1. Abdul Rahman, Z. and Shah, I. (2015). Measuring Islamic Spiritual Intelligence. International Accounting and Business Conference, IAB, 31, 134-139.
2. Alareeni, B.A. (2019). The associations between audit firm attributes and audit quality-specific indicators: A meta-analysis. Managerial Auditing Journal, 34(1), 6-43.
3. Arief Kusumo, B.Y. and Koeswoyo, P.S. and Handoyo, S. (2018). Analyze of the Effect of Workplace Spirituality on Auditor Dysfunctional Behavior and its Implication to Audit Quality: Study at the Audit Board of the Republic of Indonesia. Journal of Accounting Auditing and Business, 1(1), pp19-33.
4. Barrainkua, I. and Espinosa-Pike, M. (2015). New insights into underreporting of time: the audit partner context. Accounting, Auditing & Accountability Journal, 28(4), 494-514.
5. DeAngelo, L.E. (1981). 'Auditor size and audit quality'. Journal of Accounting and Economics, 3, 183-199.
6. Donnelly, D.P., Quirin, J.J. and O'Bryan, D. (2003). Auditor Acceptance of Dysfunctional Audit Behavior: An Explanatory Model Using Auditors' Personal Characteristics. Behavioral Research in Accounting, 15 (1), 87-110.
7. Francis, J.R. (2011). A Framework for understanding and Researching Audit Quality. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 30(2), 125-152.
8. Hanafi, R. (2010). "Spiritual Intelligence", Emotional Intelligence and Auditor's Performance. Jurnal Akuntansi dan Auditing Indonesia, 14(1), PP.29-40.
9. Huber, M. (2015). Health: Definitions. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2(10), 607-613. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086->

- 8.14144-3.
10. Kazmi, R., Amjad, S. and Khan, D. (2008). Occupational Stress and its Effect on Job Performance: A Case Study of Medical House Officers of District Abbotabad. *Journal of Ayub Medical College*, Vol. 20, No. 3, pp. 135-139.
  11. Knechel, W.R., Krishnan, G., Pevzner, M., Shefchik, L., and Velury, U. (2013). Audit Quality: Insights from the Academic Literature. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32, 385-421.
  12. Leonardi, F. (2018). The Definition of Health: Towards New Perspectives. *International Journal of Health Services*, 735-748.
  13. Levin, M. (2000). *Spiritual Intelligence, Awakening the Power of Your Spirituality and Intuition*, London: Hodder & Stoughton.
  14. Moura, C.S., Imoniana, J.O., Santos, E. and Santos, L.M.R. (2022). Effects of Emotional Intelligence on the Relationship Between Individual and Contextual Factors on the Quality of Internal Auditing in Federal Educational Institutions in Brazil. *Finance & Banking Studies*, 11(2), 118-127.
  15. Peytcheva, M. (2008). Accountability, Reputation costs, and opportunistic auditor behavior. University of New jersey.
  16. Pinatik, S. (2021). The Effect of Auditor's Emotional Intelligence, Competence, and Independence on Audit Quality. *International Journal of Applied Business and International Management (IJABIM)*, 2, 55-67.
  17. Qaid, M.M., Wadgule, M. and Khaled, M.S.D. (2022). Determinants of Audit Quality in Government Institutions. *Studies in Economics and Business Relations*, 3(1), 1-16.
  18. Rahman, Z. and Shah, I. (2015). Measuring Islamic Spiritual Intelligence. *INTERNATIONAL ACCOUNTING AND BUSINESS CONFERENCE, IABC 2015*, PP: 134 – 139.
  19. Rogelberg, S.G. and Reiter-Palmon, R. (2015). *The Encyclopedia of Industrial and Organizational Psychology*, Available at: [http://works.bepress.com/roni\\_reiter\\_palmon/4](http://works.bepress.com/roni_reiter_palmon/4). [Online]
  20. Rotter, J.B. (1966). Generalized Expectancies for Internal versus External Control of Reinforcement. *Psychological Monographs: General and Applied*, 80 (1), 1-28.
  21. Samagaio, A. and Felicio, T. (2022). The influence of the auditor's personality in audit quality. *Journal of Business Research*, 141, 794-807.
  22. Sampet, J., Sarapaivanich, N. and Patterson, P. (2019). The role of client participation and psychological comfort in driving perceptions of audit quality: Evidence from an emerging economy. *Asian Review of Accounting*, 27(2), 177-195.
  23. Supriadi, I., Harjanti, W. and Ulfa Maghfiroh, R. (2021). Mediating Effects of Auditor Expertise on the Effect of Locus of Control and Organizational Commitment on Auditor Performance. *International Journal of Tax & Accounting (IJTC)*, 2(2), 146-158.
  24. Svanberg, J. and Öhman, P. (2013). Auditors' time pressure: does ethical culture support audit quality?. *Managerial Auditing Journal*, 28(7), 572-591.
  25. Utami, I. and Nahartyo, E. (2013). The Effect of Type a Personality on Auditor Burnout: Evidence from Indonesia. *Global Journal of Business Research*, 5(2), 89-102.
  26. Wang, L. and Lv, M. (2017). Internal-External Locus of Control Scale. *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*, 1-4.
  27. Yang, L. (2012). *The Impact of Emotional Intelligence on Auditor Judgment*. Doctor Dissertation, Virginia Commonwealth University, URI: <http://hdl.handle.net/10156/4375>.
  28. Yuen, D. C., Law, P. K., Lu, C. and Qi Guan, J. (2013). Dysfunctional auditing behaviour: empirical evidence on auditors' behaviour in Macau. *International Journal of Accounting & Information Management*, 21(3), 209-226.